

رادیو و جهاد اقتصادی

کارکردهای رادیو در تحقق مطالبات رهبر فرزانه انقلاب
در موضوع جهاد اقتصادی

❖ زینب جهاندار لاشکی
پژوهشگر و دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی



چکیده

اطلاق نامی خاص به یک سال، اقدامی تأمل‌برانگیز و دارای معنایی راهبردی است. این نامگذاری شیوه‌ای است برای بیان اولویت‌های نظام، در میان اهداف مهم دیگری که نظام در پی آن است. به‌طور قطع همان‌گونه که رهبر فرزانه انقلاب نیز تأکید دارند، تعیین یک اولویت به معنای نفی دیگر اهداف و برنامه‌های نظام نیست. «جهاد اقتصادی» یک مفهوم تأسیسی است که تاکنون در ادبیات متعارف اقتصادی مطرح نبوده است. «اقتصاد» در ادبیات متعارف و مفهوم جهاد در ادبیات اسلامی تعریف شده است. دلیل مطرح شدن این عبارت از سوی رهبر فرزانه می‌تواند به نوعی فرهنگ‌سازی برای طرح افکار جدید باشد. نقش رادیو در این فرهنگ‌سازی اهمیتی ویژه دارد. فرهنگ‌سازی برای مردم و مسئولان و مطالبه عمومی آنها می‌تواند به‌عنوان دو رویکرد اصلی رادیو در این میان باشد. همچنین، بازتاب فعالیت‌های انجام‌شده و قوانین ابلاغی و تطبیق گزارش‌های دستگاه‌ها با واقعیت‌های جامعه، نقشی دیگر را برای رسانه رادیو به‌عنوان ناظر عمومی رقم می‌زند. این مقاله با روش اسنادی و با پرداختن به محورهایی همچون: مبانی و مفهوم جهاد از منظر اسلام، اقتصاد و اقتصاد اسلامی، پیامدهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جهاد اقتصادی، به نقش‌های آموزشی، آگاهی‌بخشی و امیدآفرینی و نظارت عمومی رادیو در تحقق مطالبات رهبری فرزانه می‌پردازد.

دیباچه

پیروان مکاتب اقتصادی کلاسیک، نئوکلاسیک و... در تفسیر و تحلیل رشد و توسعه اقتصادی دیدگاه‌های خاص خود را در جهت طراحی نظام اقتصادی بر مبنای نیازهای مادی بشری مطرح کرده‌اند. مکتب اسلام، اقتصاد را در جهت اهداف عالی بشر می‌داند و بر این اساس، نگرش سوسیالیستی و یا سرمایه‌داری که اقتصاد را مینا قرار می‌دهند، رد می‌کند. در همین راستا، مفهوم جهاد اقتصادی از سوی رهبر فرزانه انقلاب مطرح شد. ابعاد، ویژگی‌ها و گستره مفهوم «جهاد اقتصادی» برآمده از فرهنگ غنی اسلامی طرح شده و تحلیل راهبردها، روش‌های اجرا و همچنین نتایج و آثار ارزشمند آن، تنها در ارتباط با مبانی و مؤلفه‌های اسلامی قابل تفسیر و تحلیل است. جهاد اقتصادی را باید در مجموعه الگوی جامع پیشرفت اسلامی- ایرانی دید که به‌طور طبیعی دارای الزامات و مؤلفه‌های خاص خود است.

اولویت‌بخشی به این موضوع به‌عنوان موضوع سال از سوی رهبر فرزانه انقلاب، با اشراف به چشم‌اندازی از حرکت بلندمدت ایران اسلامی به سوی اهداف و آرمان‌های خود از یک سو و عنایت به ضرورت‌ها، نیازها، ظرفیت‌ها و استعداد‌های داخلی و نیز موقعیت بین‌المللی کشور و تهدیدها و فرصت‌های جهان از سوی دیگر صورت گرفته است. تحقق جهاد اقتصادی افزون بر روحیه جهادی که متضمن انگیزه‌های معنوی الهی و تلاش خستگی‌ناپذیر است، نیازمند آرایش جهادی تمامی دستگاه‌ها و نهادهای کشور و همراهی و همسویی آنهاست که در این میان، رادیو به‌عنوان یکی از سازمان‌های رسانه‌ای مهم کشور، افزون بر اطلاع‌رسانی و آگاهی‌سازی، نقشی مؤثر در فرهنگ‌سازی دارد.

مبانی و مفهوم جهاد از منظر اسلام
جهاد در فرهنگ معین، کارزار کردن و جنگیدن در راه حق تعریف شده است. به لحاظ مفهومی، جهاد به‌کارگیری کمال جد و جهد در راه خدا و انجام وظایف الهی

است که شکل خاص و بارز آن در جنگ نظامی با دشمنان اسلام و نظام اسلامی ظهور پیدا کرده، اهمیت و ارزش والایی برای آن در نظر گرفته شده است.

اصلی به نام جهاد، در بسیاری از مکاتب انحرافی وجود ندارد و همه چیز بر محور توصیه، نصایح و اندرزها می‌چرخد. حتی برخی هنگامی که جهاد مسلحانه را به‌عنوان یکی از ارکان برنامه‌های اسلام می‌شنوند، با تعجب برایشان این سؤال ایجاد می‌شود که مگر ممکن است دین با جنگ و مبارزه همراه باشد؟! افراد زورمند و خودکامه، فرعون‌ها،

نمرودها و قارون‌ها اهداف انبیا را همیشه مزاحم خویش می‌دیدند و در برابر آنها می‌ایستادند و جز به محو دین و آیین خدا راضی نبودند. پس روشن است که دینداران راستین، در عین تکیه بر عقل، منطق و اخلاق باید در مقابل این گردنکشان ستمگر بایستند و با مبارزه و درهم‌کوبیدن آنها، راه خود را به سمت «کمال» باز کنند. اصولاً جهاد را باید یکی از نشان‌های موجود زنده به حساب آورد و آن را یک قانون عمومی در عالم حیات دانست. تمامی موجودات زنده اعم از انسان، حیوان و گیاه، برای بقا، با عوامل نابودی خود در حال مبارزه‌اند. از این رو، از جمله فرازهای افتخارآفرین اسلام و مسلمانان، وجود مسئله جهاد است که سبب پویایی و رشد می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶: ۲۶)

جهاد با کلمات مشابه دیگر همچون کوشش، تلاش و... متفاوت است. تلاش، سعی و کوشش در به‌دست‌آوردن چیزی است (لغت‌نامه معین: ۸۹۵)، اما جهاد، امری عقیدتی و ایمانی محسوب می‌شود که از فطرت هر فرد سرچشمه می‌گیرد و در مقابل دشمنی معنا پیدا می‌کند. رهبر فرزانه انقلاب در سخنرانی خویش در سال ۱۳۷۰ به‌خوبی به بیان تفاوت‌های «تلاش» و «جهاد» می‌پردازد:

«... جهاد با جهد و تلاش از لحاظ ریشه یکی‌اند؛ یعنی در آن معنای جهد

و کوشش وجود دارد؛ اما جهاد فقط این نیست؛ جهاد یعنی مبارزه؛ مبارزه در همین اصطلاح متعارف فارسی امروز ما. مبارزه انواع و اقسامی دارد: مبارزه علمی داریم، مبارزه مطبوعاتی داریم، مبارزه سیاسی داریم، مبارزه اقتصادی داریم، مبارزه نظامی داریم، مبارزه آشکار داریم، مبارزه پنهان داریم؛ اما یک نقطه مشترک در همه اینها وجود دارد و آن اینکه در مقابل یک خصم است؛ در مقابل یک مانع است. مبارزه با دوست معنی ندارد؛ مبارزه در مقابل یک دشمن است. فرض کنید

تحقق جهاد اقتصادی افزون

بر روحیه جهادی که منضم

انگیزه‌های معنوی الهی

و تلاش خستگی‌ناپذیر

است، نیازمند آرایش

جهادی تمامی دستگاه‌ها و

نهادهای کشور و همراهی و

همسویی آنهاست که در این

میان، رادیو به‌عنوان یکی

از سازمان‌های رسانه‌ای

مهم کشور، افزون بر

اطلاع‌رسانی و آگاهی‌سازی،

نقشی مؤثر در فرهنگ‌سازی

بر عهده دارد.

در دوران اختناق، کسی هر هفته مثلاً پنج تا کتاب می‌خواند؛ خیلی کار بود؛ اما لزوماً مبارزه نبود؛ جهد بود، جهاد نبود. اگر می‌خواست جهاد باشد، باید کتابی را می‌خواند که در حرکت او در مواجهه با رژیم طاغوت و رژیم اختناق، تأثیر داشت؛ آن وقت می‌شد جهاد. خاصیت جهاد این است.» (بیانات رهبر فرزانه انقلاب، ۱۳۷۰/۳/۲۸)

یکی از افتخارات ما مسلمانان، آمیخته‌بودن دین با مسئله حکومت و داشتن دستور جهاد در برنامه‌های دینی است. اسلام برخلاف مسیحیت کنونی که

می‌گوید: «...هرکس به رخساره راست تو طیانچه [سیلی] زد، رخساره دیگر را به سوی او بگردان (انجیل متی، باب پنجم، شماره ۳۹) چنین دستوری نمی‌دهد، چرا که این دستور انحرافی باعث جرئت و جسارت ظالم و تجاوزگر می‌شود؛ حتی مسیحیان جهان امروز نیز هرگز به چنین دستوری عمل نمی‌کنند و کمترین تجاوزی را با پاسخی شدیدتر، که آن هم برخلاف دستور اسلام است، پاسخ می‌دهند.

یکی از نکات کلیدی اسلام در مورد جهاد، آمادگی همیشگی برای مبارزه است. خداوند در آیه ۷۱ سوره نساء، فرمان آماده‌باش دائمی به مسلمانان می‌دهد و برای حفظ موجودیت اجتماعشان می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، با کمال دقت مراقب دشمن باشید، مبدا غافلگیر شوید و از ناحیه آنها خطری به شما برسد.» سپس دستور می‌دهد که برای مقابله با دشمن از روش‌ها و تاکتیک‌های مختلف استفاده کنید و «در دسته‌های متعدد یا به صورت اجتماع، برای دفع دشمن حرکت کنید.» این آیه دستور جامع و همه‌جانبه‌ای به تمامی مسلمانان، در همه قرون و اعصار می‌دهد که برای حفظ امنیت خود و دفاع از مرزهای خویش دائماً مراقب باشند. حتی خداوند در آیه ۱۰۲ سوره نساء برای آنکه مسلمانان در میدان جنگ، موقع نماز از دشمن غفلت نکنند، دستور نماز خوف را تشریح می‌کند و این چیزی جز توجه‌دادن مسلمانان به دشمن و لزوم هوشیاری و بیداری در همه مکان‌ها و زمان‌ها نیست. باید توجه داشت که جهاد صرفاً نبرد دفاعی و گاه تهاجمی را شامل نمی‌شود، بلکه هرگونه مبارزات علمی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را نیز دربرمی‌گیرد.

حضور و رویارویی با دشمن، در جهاد، مفروض است. «انسان یک تلاشی می‌کند، دشمنی در مقابل او نیست؛ این جهاد نیست. اما یک وقت شما می‌خواهید یک

تلاشی را انجام دهید، که به‌خصوص یک دشمنی سینه به سینه شما ایستاده است؛ این می‌شود جهاد. ممکن است یک وقت این جهاد به شکل قتال (جنگ) باشد، ممکن است جهاد مالی باشد، ممکن است جهاد علمی باشد، ممکن است جهاد فنی باشد؛ همه اینها جهاد است انواع و اقسام جهاد و مبارزه است. اگر بخواهیم در ادبیات امروز ما برای «جهاد» معادلی پیدا کنیم، می‌شود «مبارزه». جهاد اقتصادی، یعنی مبارزه اقتصادی.» (بیانات رهبر فرزانه انقلاب، ۱۳۹۰/۱/۸)

یکی از کارکردهای ظریف جهاد، خط مستقیمی است که «مؤمنان» و «منافقان» توسط آن تمیز داده می‌شوند. به عبارتی میزان حق و باطل با اعلام حکم جهاد مشخص می‌شود. در آیه ۱۹ سوره [حضرت] محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) موضع‌گیری‌های مختلف «مؤمنان» و «منافقان» در برابر فرمان جهاد روشن می‌شود. «کسانی که ایمان آورده‌اند، می‌گویند چرا سوره‌ای نازل نمی‌شود؟» سوره‌ای که در آن فرمان جهاد باشد و تکلیف ما را در برابر دشمنان سنگدل روشن سازد. این وضع حال مؤمنان راستین است. اما منافقان هنگامی که سوره واضح و روشنی نازل می‌گردد که در آن سخنی از جنگ است، منافقان بیمار دل را می‌بینی که همچون کسی که در آستانه مرگ قرار گرفته است (با نگاهی مات و مبهوت و چشمانی که حدقه آنها از کار ایستاده) به تو نگاه می‌کنند. میدان جهاد برای مؤمنان، میدان اظهار عشق به محبوب و میدان پایداری و مقاومت و پیروزی است. در چنین میدانی ترس معنایی ندارد. اما برای منافقان میدان مرگ و نابودی و بدبختی است، میدان شکست و جدایی از لذات دنیاست؛ میدانی است تاریک و ظلمانی با آینده‌ای مبهم و وحشتناک!

انواع جهاد

جهاد در معارف اسلامی، به دو عنوان کلی «جهاد اکبر» و «جهاد اصغر» تقسیم

می‌شود:

جهاد اکبر

مجاهده با نفس و مبارزه با هواهای نفسانی و شکستن بت درون، به واسطه و اهمیت مشکلاتش به جهاد اکبر معروف شده است؛ چنانکه پیامبر عظیم‌الشأن اسلام فرموده‌اند: «اعدی عدوک نفسک التی بین جنبیک»؛ بزرگ‌ترین دشمن تو، نفس توست که در میان دو پهلوی توست (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷: ۳۱۴) و در حدیث دیگری نقل است، هنگامی که رسول اکرم (ص) از جنگی بازمی‌گشتند خطاب به یاران خویش فرمودند: «قدمتم من - الجهاد الا صغر الی الجهاد الا کبر»؛ خوشا به حال شما که از جهاد اصغر به سوی جهاد اکبر بازگشتید. بدین ترتیب پیامبر گرامی اسلام، اهمیت و سختی این جهاد را بیان فرموده‌اند.

جهاد اصغر

«جهاد اصغر» به جهاد و مبارزه با ظالمان، قارون‌ها و متکبران بیرونی گویند که می‌توان آن را به واسطه زمینه‌های مختلفش، به انواع گوناگونی تقسیم کرد: **جهاد نظامی:** جهاد نظامی، برجسته‌ترین نماد جهاد اصغراست. این نوع جهاد در مواقعی صورت می‌گیرد که ملتی با هجوم و ستم متجاوزی مواجه می‌شود؛ یعنی براساس قوانین الهی، مردم ستم‌دیده حق دارند در چنین مواقعی به پاخیزند و از حریم خویش دفاع کنند (تفسیر نمونه، ج ۲: ۲۷). یکی از نمونه‌های عینی آن، دفاع مقدس هشت ساله جمهوری اسلامی در مقابل استکبار جهانی بود که این جهاد عزت و سربلندی نظام جمهوری اسلامی را به ارمغان آورد. **جهاد فرهنگی:** با تحولات عظیم ارتباطی که امروزه در دنیا به‌وجود آمده، جنگ فرهنگی به عرصه‌ای با ابعاد مختلف، فراگیر و پیچیده تبدیل شده است. در عصر جدید، جنگ فرهنگی استکبار جهانی با ظرافت و وسعتی بیشتر دنبال می‌شود که در این خصوص، آمادگی بیشتر برای مقابله طلب می‌شود.



حیوانی نیست؛ بلکه این تهاجم فرهنگی غرب مقدمه غارت ثروت ملی و کیان و استقلال مسلمانان و ملت‌هاست. این تهاجم پایان ندارد و تا سقوط و سلب همه ارزش‌ها و غارت تمامی منابع ملت‌ها ادامه می‌یابد.

جهاد علمی: یکی دیگر از عرصه‌هایی که حرکت جهادی در آن بسیار نقش‌آفرینی کرده و همچنان نقش‌آفرینی می‌کند، جهاد علمی و تلاش علمی است. دشمن امروز به‌خوبی دریافته که در سایر عرصه‌ها برای مقابله با نظام اسلامی کاری از پیش نخواهد برد. از این رو با تمامی قوا به جنگ علم در دانشگاه‌ها آمده است. اما به امید خدا، کسب رتبه‌های برتر علمی ایران در منطقه، دشمنان انقلاب و نظام و کشورهای غربی را در این جهاد به هراس انداخته و هراس دشمن یعنی پیروزی راهی که انتخاب کرده‌ایم. جنگ با علم را دشمن در رأس اقدامات خرابکارانه خود برای ملت ما قرار داده و ترور دانشمندان و استادان دانشگاه‌ها در همین راستاست.

جهاد اقتصادی: جهاد اقتصادی ریشه در قرآن و سنت دارد و در آیات و روایات این تعبیر را به‌کرات مشاهده می‌کنیم. جهاد اقتصادی بخشی از جهاد با دشمن به‌طور کلی است. قرآن «جهاد اقتصادی» را جمال جامعه اسلامی می‌نامد.

تهدید است کما اینکه اصل فرهنگ ملی و اسلامی ما در تهدید دشمنان است ... ما نبایستی چیزی را که روشن و واضح است، انکار کنیم... آرایش نظامی فرهنگی بسیار خطرناک علیه انقلاب درست شده است و وجود دارد ... ما باید آرایش جدید دشمن را بشناسیم، اگر نشناختیم و خوابیدیم، از بین رفته‌ایم.» (رهبر فرزانه انقلاب، ۲۰ آذر ۱۳۷۰)

هدف از این تهاجم تنها جداساختن از فرهنگ غنی و انسان‌ساز اسلام و گرفتن هویت فرهنگی و جایگزین کردن فرهنگ

تهاجم فرهنگی امروز غرب، تهاجمی بس زبان‌بارتر و زشت‌تر از تهاجم‌های فرهنگی در دوران گذشته است. فرهنگ مبتذل و انسانیت‌کش غرب، تنها باورها و جهان‌بینی توحیدی را از بشر سلب نمی‌کند؛ بلکه او را در وادی تاریک و طوفانی بی‌اعتقادی مطلق و بی‌اعتنایی به پرستش، حتی در شکل بت، رها می‌سازد. این فرهنگ افکار انسان را به طرف شهوت و بی‌بندوباری درمی‌آورد تا کوچک‌ترین توجه و گرایشی به اندیشیدن درباره حقایق ماورایی و بعد معنوی نیابد و با چنین حقایقی به کلی بیگانه شود. بر همین اساس بود که دیده‌بان نظام، در چند سال قبل، که شاید برخی آن را باور نداشتند، با بیان تعبیری چون: شبخون فرهنگی و ناتوی فرهنگی، وجود این خطر اساسی را به دست‌اندرکاران گوشزد کردند: «این مسئله تهاجم فرهنگی که ما بارها روی آن تأکید کرده‌ایم، واقعیت روشنی است. با انکار آن ما نمی‌توانیم اصل تهاجم را از بین ببریم. به قول امیرالمؤمنین (صلوات‌الله علیه)، «من نام لم ینم عنه»، اگر شما در سنگر خوابت برد، معنایش این نیست که دشمنت هم در سنگر مقابل خوابش برده است، تو خوابت برده، سعی کن خودت را بیدار کنی. ما باید توجه داشته باشیم که انقلاب فرهنگی در

یکی از آثار سیاسی جهاد اقتصادی، کارآمدی نظام اسلامی است. در واقع، همان‌گونه که رهبر فرزانه انقلاب گفته‌اند: استقلال اقتصادی، دنباله استقلال و آزادی سیاسی است.

همان‌طور که «جهاد نظامی» جلال جامعه اسلامی است و در مقابل بیگانگان حالت تدافعی دارد، جهاد اقتصادی عامل استقلال و عزت جامعه است و زیبایی‌های یک جامعه اسلامی را در برابر بیگانگان به نمایش می‌گذارد. حتی در حوزه اقتصاد خانواده نیز شاهد هستیم که در روایات تأکید شده که هر کسی برای تأمین نیازهای خانوادگی خود تلاش اقتصادی کند مانند مجاهدی است که در جبهه‌ها مشغول جنگ و جهاد است. بنابراین تعبیر جهاد اقتصادی تعبیر جدیدی نیست و ریشه در قرآن و سنت دارد.

استفاده از تعبیر جهاد این استعاره را در خود دارد که گاهی باید تهاجمی و گاهی تدافعی برخورد کنیم. جهاد اقتصادی دارای جنبه‌های اثباتی و سلبی است. جنبه‌های اثباتی جهاد اقتصادی همان است که رهبر فرزانه انقلاب درباره پیشرفت علمی و فناوری و تولیدات بیشتر و بهتر مطرح کردند. کاری که دانشمندان کشور در حوزه علم و فناوری انجام می‌دهند یا تلاشی که صنعتگران و کشاورزان یا کسانی که تولیدات اقتصادی را برای کشور به ارمغان می‌آورند باید به‌عنوان بخشی از جهاد اقتصادی محسوب شوند و آنها با این نگاه تلاش خود را ادامه دهند. در جنبه‌های سلبی جهاد اقتصادی، یکی از هدف‌گیری‌های عمده، کاهش وابستگی به واردات و کنترل مصرف کالاهای خارجی، به‌عنوان ادامه اصلاح الگوی مصرف و نهادینه کردن فرهنگ استفاده از تولیدات داخلی، مسئله‌ای اساسی است که باید در برنامه‌های جهاد اقتصادی در نظر گرفته شود. بر این اساس نیازمند تجدیدنظر در کیفیت کالاهای ساخت داخل و کنترل واردات بی‌رویه کالاهای خارجی هستیم. (اسماعیلی، ۱۳۹۰)

اقتصاد و اقتصاد اسلامی

اقتصاد از ریشه «قصد» به معنی «راستی راه» است. یکی از معانی اقتصاد در لغت، میانه‌روی و پرهیز از افراط و تفریط در هر کاری است (حائری، ۱۳۷۸: ۱) که

در آیه «واقصد فی مشیک» (لقمان: ۱۹) به همین معنا آمده است. از آن نظر که اعتدال در هزینه‌زدگی یکی از مصادیق میانه‌روی بوده، کلمه «اقتصاد» درباره آن بسیار استعمال می‌شده تا آنجا که در به‌کارگیری عرفی از «اقتصاد» غالباً همین معنا مقصود بوده است و همین مفهوم در کلام امیرالمؤمنین در **نهج البلاغه** به لفظ اقتصاد تعبیر شده است. امام می‌فرماید: «ما عال من اقتصد» هر کس میانه‌روی پیشه کند، نیازمند نگردد (کلمات قصار **نهج البلاغه**: ۱۴۰). از سوی اقتصاددانان برای «اقتصاد» تعاریفی مختلف ارائه شده است. از دیدگاه ارسطو، علم اقتصاد یعنی مدیریت خانه. آدام اسمیت معتقد است که اقتصاد، علم بررسی ماهیت و علل ثروت ملل است. استوارت میل نیز اقتصاد را بررسی ماهیت ثروت از طریق قوانین تولید و توزیع می‌داند. در تعریفی علم اقتصاد، بررسی کردارهای انسان در جریان عادی زندگی اقتصاد یعنی کسب درآمد و تمتع از آن برای تربیت زندگی است.

انسان با توجه به تمایلی که به ارضای نیازهای خود دارد، سعی می‌کند که با صرف حداقل تلاش یا هزینه، حداکثر نتیجه را به‌دست آورد. این راه و روش، اصل «اقتصاد» نامیده می‌شود و هر فردی تحت تأثیر هر مشرب، بر مبنای این اصل رفتار می‌کند. بنابراین «اقتصاد» علمی است که رفتار و رابطه انسان را با اشیای مادی مورد نیاز او که به رایگان در طبیعت نمی‌یابد، مطالعه می‌کند. مطالعه اقتصاد باید درک، بیان و تا حدی پیش‌بینی رفتار اقتصادی انسان را امکان‌پذیر سازد. این مطالعه باید به بهبود رفاه مادی فردی و اجتماعی بشر کمک کند. بنابراین می‌توان ادعا کرد که اقتصاد، قبل از هر چیز، به تجزیه و تحلیل و توضیح شرایط و روابطی می‌پردازد که در قلمرو رفاه مادی قرار دارد و برخلاف علوم طبیعی، علم محض نیست، بلکه مجموعه اصول و قواعدی است که تحت تأثیر اراده بشر قرار

می‌گیرد.

پرسش از هویت اقتصاد اسلامی حدود نیم قرن قدمت دارد و پاسخ‌هایی گوناگون به آن داده شده است. در این میان کسانی وجود دارند که برای اقتصاد اسلامی فقط هویتی فقهی- حقوقی قائلند، و کسانی نیز یافت می‌شوند که معتقدند اسلام افزون بر احکام اقتصادی، دارای مکتب، نظام و حتی علم اقتصاد ویژه‌ای است. (یوسفی، ۱۳۷۹: ۳۴-۲۱).

کتاب **اقتصادنا** شهید محمدباقر صدر در دهه ششم قرن گذشته میلادی، نقطه عطفی در رشد دانش اقتصاد اسلامی به‌شمار می‌آید. او توانست مباحث پراکنده اقتصاد اسلامی را براساس اصولی معین، سازمان‌دهی و مکتب اقتصاد اسلامی را تدوین کند. وی در این کتاب ضمن نقد بنیان اندیشه‌های اقتصادی معاصر، استخراج مکتب اقتصادی اسلام را نیز روش‌مند می‌کند.

بی‌تردید شهید صدر در تبیین هویت اقتصاد اسلامی نقش مؤثر و بی‌همتایی داشته و آرای وی در این باره راهگشای همه اندیشه‌وران اقتصاد اسلامی پس از وی بوده است؛ باوجوداین، مطالعاتی که طی چهار دهه اخیر درباره اقتصاد اسلامی صورت گرفته، برداشت شهید صدر را از مذهب و نظام اقتصادی، تکمیل و اثبات می‌کند که اقتصاد اسلامی افزون بر هویت مذهبی، دارای هویت علمی نیز هست.

شهید صدر در مقدمه چاپ دوم کتاب **اقتصادنا** می‌نویسد: «امت اسلامی ... برای حل مشکلات عقب‌ماندگی اقتصادی چارچوبی جز نظام اقتصادی اسلام ندارد.» وی در همین مقدمه، در چند صفحه این مطلب را بیان می‌کند که کشورهای اسلامی عقب‌ماندگی یا از روش سرمایه‌داری تقلید کردند یا از روش سوسیالیستی، و در نهایت نیز به روش اقتصاد مختلط پناه آوردند، و هیچ‌گاه به فکر روش بدیل این دو روش سنتی نبوده‌اند. ایشان سپس بیان می‌کنند: «این در حالی بود

که روش بدیل آماده‌ای وجود داشت که گرچه از میدان تحقق دور بود، اما در زندگی امت اسلامی همواره حیات نظری و عقیدتی داشت. این روش عبارت بود از روش اسلامی و نظام اقتصادی اسلام.» (میرمعزی، ۱۳۸۵: ۱۳۱)

پیامدهای جهاد اقتصادی

جهاد اقتصادی بر پایه مکتب اقتصادی اسلام، درصدد تأمین اهداف فراوانی است که برخی از آنها سیاسی، برخی اجتماعی، برخی فرهنگی و برخی دیگر، اقتصادی‌اند. بنابراین جهاد اقتصادی دارای پیامدهای مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است.

پیامدهای سیاسی جهاد اقتصادی

جمهوری اسلامی با پیدایش خود راهی نوین در مقابله با زورگویان طراز اول عالم باز کرد و به ملت‌های مستضعف به‌ویژه مسلمانان، امیدی تازه بخشید و در مدت ده سال و اندی رهبری امام راحل عظیم‌الشأن، بارها قلدران زمان را در عمل تحقیر کرده و دروغ شکست‌ناپذیری آنها را باطل ساخته است. به همین دلیل، آنها همواره درصدد براندازی نظام جمهوری اسلامی بوده‌اند. بر این اساس، حفظ نظام اسلامی یک تکلیف و از اوجب واجبات است، همان‌گونه که همواره امام و رهبر معظم بر آن تأکید داشته‌اند: «آحاد مردم یکی یکی‌شان تکلیف دارند برای حفظ جمهوری اسلامی [که] یک واجب عینی [و] اهم مسائل واجبات دنیا [و] از نماز اهمیتش بیشتر است، برای اینکه این حفظ اسلام است، نماز فرع اسلام است.» (صحیفه نور، ج ۱۹: ۲۷۴)

رهبر فرزانه انقلاب نیز به کرات بر این واجب عینی تأکید داشته و دارند. قطعاً برای حفظ نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران باید اصول و ارزش‌های اصلی آن را شناخت تا با حراست از آنها، حفاظت از نظام مقدس اسلامی عملی شود. اصول و ارزش‌های اساسی انقلاب از منظر رهبر عالی‌قدر انقلاب، سیاست نه شرقی و نه غربی است و یکی از مهم‌ترین ضمانت‌های

حفظ اجرای این هویت انقلابی و اسلامی و حتی موجودیت نظام، استقلال اقتصادی است که با جهاد تحقق خواهد یافت.

بنابراین یکی از آثار سیاسی جهاد اقتصادی، کارآمدی نظام اسلامی است. در واقع، همان‌گونه که رهبر فرزانه انقلاب گفته‌اند: «استقلال اقتصادی، دنباله استقلال و آزادی سیاسی است.» (بیانات رهبر فرزانه انقلاب، ۱۳۶۸/۹/۱)

اگر نظام دینی نتواند در عین حاکمیت و تسلط سیاسی، کارآمدی خود را در عرصه اقتصادی ثابت کند، به فرموده امیرمؤمنان خطاب به مالک اشتر «حکومتش فقط مدت کمی دوام خواهد داشت.» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

پیامدهای فرهنگی جهاد اقتصادی

اسلام در رسیدن به همه اهداف اقتصادی خود از قبیل: زدودن فقر، ایجاد رفاه و اجرای عدالت، از چارچوب ارزش‌های اخلاقی خارج نمی‌شود؛ زیرا تحقق این ارزش‌ها همراه با پیاده‌شدن اقتصاد اسلامی از اهداف مکتب اسلام است. این از جمله اهدافی است که همگان باید در تحقق آن بکوشند. کسی حق ندارد از راه‌های حرام کسب درآمد کند یا با اکراه، طرف مقابل را به معامله‌ای وادار نماید. قرآن می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا لا تاکلوا اموالکم بینکم بالباطل... ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموالتان را در میان خود به باطل نخورید.» (نساء: ۲۹)

شاید بتوان گفت که اساسی‌ترین مسئله‌ای که اقتصاددانان به‌طور اعم، و اقتصاددانان توسعه به‌طور اخص با آن روبه‌رو هستند، مبحث ترکیب کردن اقتصاد با مجموعه‌ای از هنجارهای اخلاقی پذیرفته‌عامه در اجتماع است. لزوم برداشتن این گام از آن‌روست که این ترکیب، طبیعی‌ترین و واقع‌گراترین کاری است که باید انجام شود؛ چرا که ملاحظات اخلاقی با اجبارهای «خستگی‌ناپذیر» اقتصادی در انگیزه اولیه انسان (حتی در مورد بنگاه‌های اقتصادی) با هم پیوند دارند و بعد به صورت عمل

اجتماعی، ظاهر می‌شوند. در حقیقت، در جهان واقع، تنوع انگیزه‌ها یک قاعده است تا استثنا و اثبات این نکته که نفع شخصی یا نفع دیگران، بخش اعظم ارزش عمل فردی یا اجتماعی را تشکیل می‌دهد، کار ساده‌ای نیست.

با این حال، بستر اصلی علم اقتصاد و حتی اقتصاد توسعه، بیشتر اثبات‌گرایی را پی می‌گیرد. در مدل اصلی توسعه، جایی برای «قلوب رئوف» وجود ندارد. با تبدیل رشد اقتصادی (تولید ناخالص ملی) به بالاترین هدف و دنباله‌روی از این ادعا که رشد اقتصادی، تنها، تابع انباشت سرمایه است، دیگر جایی برای ملاحظات اخلاقی باقی نمی‌ماند. در تلاش‌های اخیر برای رفع نقص‌های آن الگو، به مسئله اخلاق توجه نشده است. اگر تلاش‌هایی که برای تطبیق اقتصاد توسعه با رهنمود نئوکلاسیک‌ها درباره کارایی بازار انجام می‌شود، به نتیجه برسد، دانش اقتصاد توسعه حتی بیش از گذشته به اخلاقیات بی‌اعتنا خواهد ماند. بر این اساس توجه به جهاد اقتصادی بر اساس آموزه‌های اقتصاد اسلامی، پیامدهای فرهنگی در بر خواهد داشت.

پیامدهای اقتصادی جهاد اقتصادی

یکی از هدف‌های اصلی احکام اقتصادی اسلام، در کنار حفظ استقلال و قدرت اقتصادی مملکت اسلامی، تأمین نیازهای مادی افراد به صورت عادلانه است. هدف عام نظم اجتماعی، برآوردن مطلوب نیازهای افراد جامعه است و از آنجا که در جامعه اسلامی، اسلام مبنای این نظم محسوب می‌شود، تناسب برنامه‌های اقتصادی با اهداف دینی، عاملی مهم در استحکام نظم و تحقق اهداف اجتماعی اسلام است. به سخن بهتر، اگر اهداف برنامه‌های اقتصادی به گونه‌ای با اهداف اصولی اسلام در تضاد باشند، نوعی ناهماهنگی و دوگانگی در اجتماع به وجود می‌آید که در نهایت، موجب ناکامی در رسیدن به اهداف و تضعیف و شکنندگی نظم اجتماعی می‌شود.



یکی از مهم‌ترین شرایط تحقق تأمین نیازهای مادی جامعه، خودکفایی اقتصادی است. مقصود از خودکفایی این است که جامعه بتواند نیازمندی‌های خود را در حد بالایی از رفاه تولید کند و ناگزیر به واردکردن کالا از خارج نباشد. البته ممکن است ترجیح دهد برخی از نیازهای خود را از خارج تأمین کند؛ به این سبب که هزینه تهیه آن در داخل بیشتر می‌شود و با واردکردن آنها، این جامعه می‌تواند امکانات خود را در راهی مفیدتر به کار گیرد. در این صورت با خودکفایی ناسازگار نیست؛ زیرا جامعه قدرت لازم برای تولید آن کالا را دارد. در این تعریف، بیان شده که جامعه‌ای که توانایی تأمین نیازمندی‌های خود را در سطح عالی رفاه داشته باشد، خودکفاست. در خودکفایی، توانمندی و اقتدار نهفته است. جامعه خودکفا روی پای خود می‌ایستد و از وابستگی اقتصادی رهایی می‌یابد.

با بررسی برخی آیات و روایات لزوم این استقلال اقتصادی کاملاً درک می‌شود. از آیه «و لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلاً (نساء: ۱۴۱)» به خوبی مستفاد می‌شود که خداوند هرگز برای کافران راه تسلطی بر مؤمنین قرار نداده است. غالب فقهای بزرگ اسلام، برای نفی هر گونه سلطه کافران بر مسلمانان به این آیه استناد کرده و مفاد آن را حکم دانسته‌اند نه اخبار. یعنی، مسلمانان باید کاری کنند که کفار بر آنان مسلط نشوند و هر عملی که منتهی به سلطه کفار شود،



نامشروع است. از جمله راه‌های سلطه کفار بر مؤمنین، سلطه اقتصادی است. متأسفانه در این روزگار، سلطه اقتصادی بیگانگان بر مسلمانان تحقق یافته است و این واقعیت تلخ به دلیل عمل نکردن مسلمانان به مقتضای ایمان است. مطابق مستفاد از این آیه مؤمنان وظیفه دارند تلاش کنند و خود را از وابستگی‌ها- از جمله وابستگی اقتصادی- رهایی دهند.

پیامدهای اجتماعی جهاد اقتصادی
استقلال و قدرت اقتصادی جامعه اسلامی در استحکام‌بخشیدن به نظم اجتماعی، تقویت بنیان‌های جامعه دینی و رسیدن به اهداف اسلامی، محقق می‌شود. این نتیجه و دستاورد از یک طرف، جامعه را از بی‌نظمی و مشکلات ناشی از اعمال قدرت و اخلال دشمنان نجات می‌دهد و از سوی دیگر، جامعه را از تحمیل شدن نظم و نظامی غیراسلامی در امان نگاه می‌دارد.

با این مقدمه، می‌توان دریافت که رسیدن به نظم اجتماعی نظام اسلامی مرهون تلاش در عرصه اقتصاد است. در تعالیم اسلامی، مستقیم و غیرمستقیم، به عمران و آبادی و لوازم و پیامدهای آن توجه شده است تا جامعه اسلامی از رشد مستمر اقتصادی برخوردار شود و رفاه عمومی را در جامعه پدید آورد.

رفاه در ضمن توسعه و رشد حاصل می‌شود؛ یعنی اگر جامعه‌ای توسعه و رشد اقتصادی لازم را فراهم کرده باشد، به دنبال آن رفاه نیز به وجود می‌آید. از مطالعه آیات و روایات مربوط به بحث بسیار روشن به دست می‌آید که نظام اقتصادی اسلام تنها درصدد رفع نیازهای ضروری بشر نیست و با تأمین آنها کار خداوند را تمام شده نمی‌داند؛ بلکه درصدد تأمین رفاه بشر است. خداوند نعمت‌های بی‌شماری را در اختیار انسان قرار داده که از آنها بهره گیرد. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در وصف متقین می‌فرماید: «همان‌ها متقین بهره دنیا و آخرت را بردند، با اهل دنیا در دنیایشان شریک شدند، ولی اهل دنیا در آخرت آنان شریک نشدند. همچنین در روایتی از معصوم (علیه‌السلام) نقل شده است که فرمود: «نعم‌المال‌الصالح للعباد الصالح؛ چه نیکوست مال شایسته برای بنده شایسته» (بحارالانوار، ج ۷۰: ۶۲)

یکی دیگر از پیامدهای اجتماعی جهاد اقتصادی، «امنیت اجتماعی» است. امنیت، نعمت بزرگی است که در تعریف آن می‌توان گفت وقتی نباشد، معنا پیدا می‌کند. امنیت مقوله‌ای است که هم کاملاً واقعی و ملموس و هم بسیار گسترده است. امنیت موضوعی کاملاً عینی است و با ذهنیات نمی‌توان آن را تأمین کرد. تأمین عدالت اجتماعی و امنیت عمومی و رعایت طبقات ضعیف و محروم، در مسائل داخلی یک رکن اصلی است که از راه تعالیم اسلام و اجرای نظام اقتصاد اسلامی می‌توان فقر اجتماعی را برطرف و عدالت اجتماعی را مستقر کرد.

امید و امیدبخشی، مفاهیمی مجرد و انتزاعی نیستند که بتوان آن را در قالب ایده‌ها یا برنامه‌های خاص به مخاطبان القا کرد.
در تحقق امیدبخشی، کیفیت پیام‌رسانی، بسیار اساسی‌تر و تعیین‌کننده‌تر از ماهیت پیام است. رادیو می‌تواند با طرح مسائل واقعی، مردم و پرسش‌ها و ابهام‌های موجود در جامعه و تلاش جدی و صادقانه برای یافتن حداکثر پاسخ‌های موجود، اعتماد مخاطبان به رسانه و احساس همدلی آنها را با رهبران جامعه و گردانندگان آن نظام اجتماعی فراهم آورد.

رسانه‌ها و جهاد اقتصادی

رادیو و تلویزیون، از جمله مهم‌ترین ابزارهای تبلیغی در دنیای معاصر هستند که با داشتن بیشترین و گسترده‌ترین حجم از مخاطبان، از اصلی‌ترین وسایل در رسیدن به اهداف فرهنگی به‌شمار می‌آیند. نقش این رسانه‌های اثرگذار در فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی چنان مهم است که هیچ وسیله و ابزار دیگری نمی‌تواند این جایگاه را بیابد (منصوری، ۱۳۸۲: ۸۴). امروزه رسانه‌ها، در دنیا، فکر، فرهنگ، رفتار و در حقیقت، هویت فرهنگی انسان‌ها را القا می‌کنند. رسانه‌ها می‌توانند در بهبود وضعیت زندگی انسان و ارتقای اخلاق و معنویت در میان انسان‌ها مؤثر باشند. با توجه به چنین توانایی، انتظاری مضاعف از رسانه‌ها وجود دارد. اثرگذاری بر مخاطب، در رادیو و تلویزیون، یک اصل است؛ ولی در رسانه ملی برخلاف رسانه‌های غربی، نه وسیله‌ای برای سودجویی اقتصادی، بلکه ابزاری برای دستیابی به اهداف عالی انسانی است. وظایفی همچون «آشناساختن مردم با درخشندگی فرهنگ اسلامی، رسوخ و نفوذدهی اندیشه اسلام ناب در زندگی مخاطب، عرضه پیام‌ها و پایه‌ها و مفاهیم و درس‌های اسلام انقلابی، هدایت جامعه به سمت زندگی اسلامی، عرضه راه و روش زندگی به مردم، درپیش گرفتن سیاست‌های نوین هم‌گام با توسعه عمومی و مبانی اسلام، گسترش اندیشه و فرهنگ و هنر، رشد فرهنگی و سیاسی جامعه بر مبنای تبیین مبانی اسلام، انتقال اندیشه والای دینی، قرارگرفتن در خط مقدم مبارزه با ترویج بی‌بندوباری و بی‌دینی و لابی‌گری و بالاخره، تبدیل صداوسیما به دانشگاهی اسلامی» (علی‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۰۶) رسانه ملی را متفاوت از رسانه‌های غربی قرار داده است.

رادیو، در این میان به‌عنوان یک رسانه فراگیر و بخشی از «دانشگاه عمومی» رسانه ملی، وظیفه آموزشی و تربیتی، آگاهی‌بخشی و امیدآفرینی و نظارتی را در

حد گسترده برعهده دارد. از منظر مک لوهان، رادیو دنیا را تا ابعاد یک دهکده کوچک می‌کند. (مک لوهان، ۱۳۷۷: ۱۷۸). سرعت زیاد رادیو به‌عنوان یک ویژگی منحصربه‌فرد این امکان را به این رسانه می‌دهد که با امکاناتی بسیار محدود در حداقل زمان بهترین کارایی را داشته باشد. به لحاظ سرعت در تأمین خبر و اطلاع، نه روزنامه و نه تلویزیون، هیچ‌کدام نمی‌توانند مانند رادیو عمل کنند. (کرایسل، ۱۳۸۱: ۱۸)

وقتی صحبت از ویژگی‌های رادیو می‌شود، در نظر بسیاری از ما مواردی چون قابل حمل بودن، قابلیت اطلاع‌رسانی سریع و فوری، گستردگی سطح پوشش جغرافیایی و مواردی از این قبیل جلوه‌گر می‌شود؛ در صورتی که ویژگی‌ها و قابلیت‌های این رسانه صوتی، بسیار بیش از اینهاست و شاید اگر مدیران و برنامه‌سازان و مخاطبان این رسانه به طور کامل و جامع با ویژگی‌های آن آشنا شوند، در نحوه استفاده و به‌کارگیری آن دقت و تأمل بیشتری داشته و قدر و منزلت این ابزار مهم و رسانه بی‌بدیل را بیش از پیش پاس خواهند داشت. (آذردهشتی، ۱۳۸۹: ۳۲)

رادیو دارای کارکردهای فراوانی در حوزه اطلاع‌رسانی است که در این مقاله به سه نقش آموزشی، آگاهی‌بخشی و امیدآفرینی و نظارتی در زمینه جهاد اقتصادی می‌پردازیم.

نقش آموزشی رادیو در جهاد اقتصادی

امروزه تنها مدرسه و سازمان‌های آموزشی، برخلاف گذشته‌ها، انحصار آموختن را در دست ندارند، بلکه آموزش در همه جای جامعه به چشم می‌خورد. آموزشی که رادیو همانند سایر رسانه‌ها عرضه می‌کند، چندبعدی است. افراد ضمن گذراندن زمانی خوش با رادیو می‌توانند به آموزشی که جنبه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دارد، بپردازند. رادیو چنانچه به‌درستی به کار آید، همچون

مدرسه‌ای بزرگ بر تمامی حیات انسانی پرتو می‌افکند و حتی نقشی بالاتر از مدرسه دارد؛ زیرا محدودیت زمانی و مکانی نداشته و برای تمامی سنین و در هر حالی قابل دریافت است.

با این مقدمه، به خوبی می‌توان به نقش رادیو و جایگاه آن در عرصه جهاد اقتصادی پی برد. بیان نمونه‌هایی از نقش آفرینی رادیو در این عرصه می‌تواند مقدمه‌ای بر کارکرد آن تلقی شود، مواردی همچون: «ایجاد رشد فکری و فرهنگی، مدیریت و هدایت فکر و روحیه و اخلاق رفتاری جامعه، سالم‌سازی فضای عمومی، گسترش عناصر قدرت و قوت معنوی و مادی، دمیدن روحیه و انگیزه و تحرک انقلابی در مردم، ایجاد امید و خودباوری، توجه به شکوفایی استعدادها و تشویق نوآوری، تقویت پژوهش و توان علمی و فناوری کشور، پرهیز از تضعیف برنامه اقتصادی نظام و اطلاع‌رسانی فعالیت‌های اقتصادی به مردم» از آن جمله است. بنابراین، نقش آموزشی رادیو را در مقوله نتایج اقتصادی جهاد اقتصادی می‌توان این‌گونه دانست که رادیو می‌تواند با بهره‌گیری از توان بالا، مدیریت قوی و کارآمد کردن برنامه‌ها، تلاش جهادگرانه، سیاست‌گذاری صحیح، نظارت کیفی بر برنامه‌ها، جهت‌گیری صحیح در آثار تولیدشده، القای مستقیم و غیرمستقیم پیام و مفاهیم، تربیت نیروی انسانی مناسب، ثبات در برنامه‌ریزی، همدلی و همکاری، بلندنظری و توجه به افق پیشرفت، به آثار اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جهاد اقتصادی، بپردازد.

الگوسازی در برنامه‌ها، یکی از بهترین راهکارهای آموزشی برای ترویج فرهنگ و معرفی الگوهای واقعی در آن زمینه است. همان‌گونه که خداوند نیز پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه و آله و سلم) را به‌عنوان الگویی نیکو برای مؤمنان قرار داده است؛ می‌توان برای آموزش و ترویج مضامین اخلاقی در حوزه اقتصاد، از زندگی فعالان

افراد در میانه اشتباه
و شکست‌ها، بسیاری
از رموز موفقیت را
درمی‌یابند. اصولاً
افرادی که با چالش و
مصیبت مواجه بوده‌اند،
افراد رشدیافته‌ای
شده‌اند. این نوع معرفی
شخصیت‌های موفق
موجب می‌شود راه
اصلاح بر افراد جامعه
بسته شود و آنها تصور
کنند چون از ابتدا خاص
نبوده‌اند یا چون قبلاً
انتخاب‌های اشتباهی
داشته‌اند، دیگر موفق
نمی‌شوند.

اقتصادی موفق برنامه‌هایی مختلف تهیه کرد. البته در این زمینه ذکر چند نکته مهم است:

- متأسفانه در برنامه‌هایی که به تبیین زندگی شخصیت‌های برتر می‌پردازد، به گونه‌ای این شخصیت‌ها معرفی می‌شوند، گویا از آغاز زندگی و بدو تولد (و گاهی پیش از تولد به واسطه خواب‌هایی که درباره تولدش دیده‌اند) شخصیت خاصی بوده و

از ابتدا هم خانواده و هم سایر شرایطش خوب بوده و هم همه انتخاب‌هایش بدون اشتباه بوده است. حال آنکه در واقع افراد در میانه اشتباه و شکست‌ها، بسیاری از رموز موفقیت را درمی‌یابند. اصولاً افرادی که با چالش و مصیبت مواجه بوده‌اند، افراد رشدیافته‌ای شده‌اند. این نوع معرفی شخصیت‌های موفق موجب می‌شود راه اصلاح بر افراد جامعه بسته شود و آنها تصور کنند چون از ابتدا خاص نبوده‌اند یا چون قبلاً انتخاب‌های اشتباهی داشته‌اند، دیگر موفق نمی‌شوند.

- محورهای محتوایی زیر در برنامه‌سازی‌های رادیو می‌تواند مورد توجه قرار گیرد:
- آموزش نتایج توکل و ایمان به خدا در فعالیت‌های اقتصادی؛
- آموزش و فرهنگ‌سازی منطقی میان عقل اقتصادی و احکام فقهی اقتصاد اسلامی؛
- گسترش اخلاق جهادی، ایثار و از خودگذشتگی و شجاعت؛
- ایجاد فرهنگ کار جمعی و کار گروهی و نمایش جذابیت‌های کار گروهی در جهت ایجاد همبستگی ملی؛
- توجه به اصول و قواعد اخلاقی در عرصه‌های مختلف اقتصادی؛
- گسترش اعتقاد به فعالیت‌های مفید به جای فعالیت‌های اقتصادی کاذب؛
- توجه به آثار وضعی و عقلی جاری شدن احکام اقتصادی و اسلامی و تحلیل برکات اقتصادی آنها؛
- تقویت احساس مسئولیت در بین کلیه آحاد جامعه؛
- آموزش فرهنگ صبر و تلاش و استقامت در فعالیت‌های اقتصادی؛
- مدیریت فرایند فرهنگی جامعه از مبانی اخلاقی تا رفتارهای جهادی اقتصادی؛
- جلب توجه افراد به اهداف اقتصادی ملی.

رادیو، آگاهی‌بخشی و امیدآفرینی
 رادیو نقشی مهم در امیدوار ساختن مردم

به آینده دارد و لازم است این امیدبخشی را بر اساس واقعیت‌ها و حفظ امانت و صداقت به گونه‌ای انجام دهد که افراد جامعه به امیدهای واهی و آرزوهای طولانی دل خوش نکنند و از درک واقعیت‌ها که لازمه سازندگی و پیشرفت است، غافل نشوند. البته هیچ کار مطلوبی نمی‌تواند توجیه‌گر اشتباه‌ها باشد؛ یعنی برای امیدوار کردن مردم، نمی‌توان آنها را به سستی در انجام امور اصلی همچون اصول اخلاقی و ارزش‌های دینی حاکم بر فرهنگ جامعه سوق داد. رسانه‌ها می‌توانند با دمیدن روح امید و نشاط‌آفرینی در جامعه به مقابله با القاهای ناامیدکننده رسانه‌ها و دولت‌های سلطه‌طلب بپردازند و جامعه را هدفمند و در حال رشد نگه دارند.

در این راستا، دقت و برخورداری رادیو از وجوه هنری و جذابیت‌های لازم برای پیام‌رسانی، نقشی مهم به این رسانه می‌دهد؛ چون امیدوار ساختن مخاطب باید بر حقایق استوار باشد تا رسانه بتواند اعتماد آنها را جلب کند. در این صورت، قوانین کلی پیام‌رسانی با حفظ اصول اخلاقی رسانه‌ای، برای جلب نظر مخاطبان در آگاهی‌بخشی و حتی خبررسانی به وی در فرایند امیدبخشی لازم است؛ قوانینی همچون صداقت در پیام‌رسانی، سرعت در انتقال و سرعت در ارسال خبر در پیام‌های خبری، رعایت حال مخاطب و برخورداری از جذابیت‌های تکنیکی و هنری.

کارکرد امیدبخشی رسانه‌ها و نوع برنامه‌ریزی و عملکرد آنها دقیقاً باید بر اساس ذوق یا همراهی افکار عمومی باشد تا بتوان جامعه را به سوی «هدف» هدایت کرد.

امید و امیدبخشی، مفاهیمی مجرد و انتزاعی نیستند که بتوان آنها را در قالب ایده‌ها یا برنامه‌های خاص به مخاطبان القا کرد. در تحقق امیدبخشی، کیفیت پیام‌رسانی، بسیار اساسی‌تر و تعیین‌کننده‌تر از ماهیت پیام است. رادیو می‌تواند با طرح مسائل واقعی، مردم و پرسش‌ها و ابهام‌های موجود در جامعه و

تلاش جدی و صادقانه برای یافتن حداکثر پاسخ‌های موجود، اعتماد مخاطبان به رسانه و احساس همدلی آنها را با رهبران جامعه و گردانندگان آن نظام اجتماعی فراهم آورد؛ یعنی بذر اعتماد افشانند و امید درو کنند. البته نباید امیدبخشی در قالب امید فردی به‌عنوان هدفی مستقل برای رسانه قرار گیرد، بلکه باید همواره آن را در ارتباط با امید جمعی معنا بخشد.

رادیو و کارکرد نظارت عمومی

علاوه بر نقش‌های یادشده، سومین نقش رادیو، نقشی است که در زمینه نظارت مردم بر دستگاه‌های حاکمیتی و مطالبه عمومی از آنها و نیز یاری و پشتیبانی‌های اطلاعاتی و تبلیغی از آنها تعریف می‌شود. این نقش که در واقع، انسجام‌بخش فعالیت‌های رادیو با دیگر دستگاه‌ها و نیز فعالیت‌های اقتصادی اقشار گوناگون مردم است، اهمیت و حساسیتی فوق‌العاده دارد. بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند بازخواست و مطالبه وظایف دستگاه‌ها از سوی رسانه باعث جلب اعتماد مردم و نیز تکاپوی این دستگاه‌ها برای انجام بهینه فعالیت‌های خویش و داشتن پاسخ‌های قانع‌کننده در مقابل مردم می‌شود. در عین حال، نباید نسبت به دیگر دستگاه‌ها نقش حامی در بست یا منتقد صرف را ایفا کرد. رادیو به‌طور کلی، می‌تواند چند موضع مثبت را در این حیطة در پیش بگیرد:

- یاری‌رسانی به دستگاه‌های اجرایی برای انتقال اطلاعات لازم در زمینه جهاد اقتصادی به اقشار و اصناف مختلف مردم؛
- پیگیری مطالبات رهبر فرزانه انقلاب و نیز مردم در خصوص وظایف دستگاه‌ها و عملکرد آنها در زمینه جهاد اقتصادی، مانند: میزان مشارکت‌های مردمی، ارتقای بهره‌وری و برنامه‌ها با حضور مسئولان دستگاه‌های مختلف در سطوح گوناگون؛
- انعکاس نظرها و پیشنهادهای مردم به دستگاه‌ها و مسئولان دولتی؛
- معرفی و تشویق نمونه‌های جهاد اقتصادی در دستگاه‌ها و تجلیل از آنها؛

- بررسی مشکلات عمومی مدیریت و ضعف‌های ساختاری نظام اداری کشور با حضور متخصصان و صاحب‌نظران معتقد به نظام و مبانی اسلامی و رعایت تنوع و تکثر نظرهای آنها؛

- طرح ابتکارات و تجربیات موفق دستگاه‌های اجرایی در جهاد اقتصادی برای دیگر دستگاه‌ها و عموم مردم؛

- پوشش خبری اقدامات مثبت دولت و سازمان‌های غیردولتی در زمینه جهاد اقتصادی.

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی در مسیر تمدن‌سازی نیازمند طراحی نظام‌های اجتماعی مناسب مبتنی بر مبانی اسلامی است. نامگذاری سال ۱۳۹۰ به «جهاد اقتصادی» نشان‌دهنده آن است که امروزه اولویت اصلی نظام جمهوری اسلامی ایران حوزه اقتصاد است. عرصه جهاد اقتصادی یعنی به‌کارگیری «جهاد» و «ایمان» در توسعه اقتصادی به منظور رسیدن به اقتدار سیاسی و اقتصادی نظام جمهوری اسلامی. در این راستا، نقش رادیو در فرهنگ‌سازی این مهم بسیار مؤثر است. این مقاله به بررسی نقش رادیو در جهاد اقتصادی به آثار اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جهاد اقتصادی پرداخته است. در عصر جدید، رادیو با داشتن گسترده وسیع، یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین وسایل ارتباطی و ابزارهای تبلیغی در رسیدن به اهداف فرهنگی به‌شمار می‌آید. رادیو به‌عنوان یک فراگیر و بخشی از دانشگاه عمومی رسانه ملی، در سه کارکرد آموزشی و تربیتی، با الگوسازی در برنامه‌ها، به ترویج فرهنگ و معرفی الگوهای واقعی جهاد اقتصادی، در کارکرد آگاهی‌بخشی و امیدآفرینی، در امیدوار ساختن مردم به آینده براساس واقعیت‌ها و حفظ امانت و صداقت و با نقش نظارتی خود، با انعکاس نظرها و پیشنهادهای مردم به دستگاه‌ها و مسئولان دولتی به پیگیری مطالبات رهبر فرزانه انقلاب از سوی مردم در خصوص

وظایف دستگاه‌ها و عملکرد آنها در زمینه جهاد اقتصادی پرداخته و نیز یاری‌رسانی به دستگاه‌های اجرایی برای انتقال اطلاعات لازم در زمینه جهاد اقتصادی به اقشار و اصناف مختلف مردم را در حد گسترده‌ای به انجام رسانده است.

رادیو با بهره‌گیری از توان بالا، مدیریت قوی و کارآمد کردن برنامه‌ها، تلاش جهادگرانه، سیاست‌گذاری صحیح، نظارت کیفی بر برنامه‌ها، جهت‌گیری صحیح در آثار تولیدشده، القای مستقیم و غیرمستقیم پیام و مفاهیم، تربیت نیروی انسانی مناسب، ثبات در برنامه‌ریزی و همچنین همدلی و همکاری و بلندنظری، به خوبی می‌تواند گام‌هایی مؤثر در تحقق مطالبات رهبر فرزانه انقلاب در موضوع «جهاد اقتصادی» بردارد.

منابع و مآخذ

- آذردهشتی، امیرحوشنگ (۱۳۸۹). مدیریت در رسانه رادیو، تهران: اداره کل پژوهش‌های رادیو.
- اسماعیلی، محسن (۱۳۹۰). سیمای «جهاد اقتصادی» در قرآن.
- حائری، محسن (۱۳۷۸). اندیشه‌های اقتصادی در نهج البلاغه، تهران: بنیاد نهج البلاغه.
- شیرانی‌نژاد، امیرحسین (۱۳۸۵). اسلام، تلویزیون و امیدبخشی در مخاطبان، قم: دانشکده صداوسیما.
- علی‌زاده، حسین (۱۳۸۴). فرهنگ و دولت دینی، تهران: مؤسسه عروش پژوه.
- کرایسل، اندرو (۱۳۸۱). درک رادیو، ترجمه معصومه عصام، تهران: تحقیق و توسعه صدا.
- مک‌لوهان، هربرت (۱۳۷۷). برای درک رسانه‌ها، ترجمه سعید آذری، تهران: مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌ای صداوسیما.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۶). تفسیر نمونه، ج ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- منصوری، علی (۱۳۸۲). فرهنگ، مسائل و راهبردها از دید مقام معظم رهبری، تهران: اداره کل پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.
- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۵). «نقد و بررسی دیدگاه شهید صدر درباره هویت اقتصاد اسلامی»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال ششم.
- یوسفی، احمدعلی و دیگران (۱۳۷۹). ماهیت و ساختار اقتصاد اسلامی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.